



## ویژگی ها و تفاوت های حضانت با بحث ولایت و قیمومیت

حضانت واژه عربی است که در اصل به معنای زیر پرورال گرفتن جوجه‌ها توسط مرغ مادر هست که مجازاً در بحث حقوق خانواده در مورد نگهداری و تربیت کودکان و غیر بالغین به کار برده می‌شود.

حضانت واژه عربی است که در اصل به معنای زیر پرورال گرفتن جوجه‌ها توسط مرغ مادر هست که مجازاً در بحث حقوق خانواده در مورد نگهداری و تربیت کودکان و غیر بالغین به کار برده می‌شود. اولین نکته این که حضانت هم حق است و هم تکلیف که دانستن این نکته می‌تواند در بسیار از موارد راهگشای مسائل پیش رو باشد. این به این معناست که به لحاظ رابطه عاطفی که عموماً بین والدین و فرزندان وجود دارد به یک حق برای والدین تلقی می‌شود و از طرفی قانون این امر را تکلیف والدین نیز می‌داند چراکه مسائل تربیتی و نگهداری طفل نباید مهمل گذارده و رها شود که این مطلب در مواد 1168 و 1178 قانون مدنی به وضاحت بیان شده است.

به گزارش «تابناک»؛ این حضانت با بحث ولایت و قیمومیت متفاوت است و متأسفانه برخی این دو بحث را باهم ادغام کرده می‌دانند که عدم تفکیک آن مشکلاتی را به وجود می‌آورد. ولایت چه این والدین باهم باشند و هر دو مشغول نگهداری و حضانت از فرزند باشند و چه این یکدیگر جدا باشند و حضانت را یکی از والدین به عهده داشته باشد؛ همچنان با پدر و جد پدری است مگر آن ولایت از پدر و جد پدری به دلایلی سلب شود. این بدان معناست که امور حقوقی طفل از جمله معاملات برای طفل که نیاز به ولایت دارد همچنان با پدر است. در بحث قیمومیت نیز ممکن است یکی از والدین حضانت و قیمومیت طفل را باهم داشته باشد و ممکن است که قیمومیت طفل با یکی از والدین باشد و حضانت با دیگری.

حضانت در مواردی که زوجین کنار یکدیگر هستند به عهده هر دو است. پس یکی از مواردی که مادر حضانت مشترک طفل را بر عهده دارد موردی است که با همسر خود مشترکاً به زندگی مشغول‌اند. در صورت طلاق و جدایی والدین، حضانت طفل - اعم از پسر یا دختر - تا سن هفت سالگی با مادر است؛ که این مطلب در ماده 1169 قانون مدنی تصریح شده است. البته قبلاً به نادرست این سقف سنی در مورد فرزند پسر را تا سن دوسالگی قرار داده بودند که حضانت پسر را تا دوسالگی بر دوش مادر می‌گذاشت که این سن در سال 82 اصلاح شد و حضانت فرزند اعم از پسر یا دختر تا سن 7 سالگی بر عهده مادر قرار داده شد. لذا این حضانت برای مادر به صورت دائمی نبوده و نیست.

حضانت دختر از 7 تا 9 سالگی که سن بلوغ دختران هست بر عهده پدر قرار داده شد و حضانت پسر نیز بعد از 7 سالگی تا سن 15 سالگی که سن بلوغ پسران است بر عهده پدر قرار داده شد؛ و بعد از بلوغ، این دختر یا پسر بودند که حق انتخاب برای زندگی نزد یکی از والدین در صورت جدایی آنها از یکدیگر را داشتند. البته بعد از سن 7 سالگی نیز گاهی موارد می‌بینیم که مادر همچنان حضانت فرزندان را بر عهده دارد و آن مواردی است که به دلایلی دادگاه تشخیص دهد که پدر صالح برای حضانت فرزندان نیست؛ یعنی مثلاً پدر معتاد باشد یا به هر دلیلی این صلاحیت را نداشته باشد.

از جمله موارد دیگر که حضانت فرزند به صورت دائمی برای مادر حفظ می‌شود زمانی است که زوجین بر این امر توافق کنند. البته این دائمی بودن در فرض شرایط عادی و زمانی است که موارد سلب حضانت برای مادر به وجود نیاید - که در عمل می‌بینیم که مادران عموماً به دلیل احساسات و عواطف بالاتر حاضر به گذشتن از حقوق مالی خود در حین طلاق هستند تا حضانت بعد از سن 7 سالگی فرزندان را حفظ کنند؛ یعنی مثلاً زن حاضر به عدم دریافت مهریه می‌شود اما ترجیح می‌دهد که فرزند از او جدا نشود.

نکته مهم در این باب نیز آن است که حضانت صرفاً از جهت حق بودن آن قابل اسقاط است یعنی پدر از این حق خود گذشت می‌کند اما همچنان به جهت تکلیفی مسئول حضانت فرزند است یعنی در فرضی که پدر با وجود اینکه از حق حضانت خود عدول می‌کند و مادر را به دلایلی صالح به نگهداری نداند می‌تواند از دادگاه تقاضای سلب حضانت کند. در مورد فوت یکی از والدین نیز قانون مدنی در ماده 1171 حضانت را با آنکه زنده است می‌داند و دیگران اولوبیتی در این موضوع ندارند هرچند آن شخص قیم وی باشد.

تأمین نفقه فرزند حتی در زمانی که حضانت فرزند با مادر باشد بر عهده پدر است مگر در موارد استثنای مانند

این‌&zwj; که پدر در قید حیات نباشند که در این صورت تأمین نفقه بر عهده جد پدری و ترتیبی است که در قانون آمده یا پدر به دلایلی قادر به تأمین نفقه نباشد مثل‌&zwj; اینکه مجنون باشد. قانون‌&zwj; گذار ترتیب پرداخت نفقه که ابتدائاً بر عهده پدر است را در ماده 1199 قانون مدنی بیان کرده و در ماده 6 قانون حمایت از خانواده مصوب سال 1392 نیز حق اقامه دعوا برای دریافت نفقه فرزند را برای مادر یا شخص دیگری که حضانت فرزند بر عهده او است؛ محفوظ داشته است.

قانون‌&zwj; گذار با هوشمندی خاصی این موضوع را حل کرده که در مواردی که حضانت بر عهده مادر است، پدر نتواند از بار تربیت و نگهداری فرزند فرار کند و نسبت به این مسئله بی‌&zwj; تفاوت باشد. اولاً قانون‌&zwj; گذار با بیان این‌&zwj; که حضانت هم حق و هم تکلیف است و با جداسازی مقوله ولایت از حضانت، پدر را مسئول قرار داده و حتی در صورت استنکاف از پذیرش مسئولیت برای وی مجازات کیفری قرار داده است. (ماده 54 قانون حمایت از خانواده) ثانیاً تأمین نفقه طفل را همواره بر عهده پدر می‌&zwj; داند چه این‌&zwj; که طفل نزد وی باشد یا در نزد مادر؛ و عدول پدر از پرداخت نفقه مطابق ماده 642 قانون مجازات اسلامی می‌&zwj; تواند به حبس کیفری پدر منجر شود. بنابراین با تکلیفی که پدر در حضانت فرزند دختر از سن 7 تا 9 سالگی تا ازدواج او و در حضانت فرزند پسر از 7 تا 15 سالگی تا طبق عرف دادگاه‌&zwj; ها سن 18 سالگی دارد پدر نمی‌&zwj; تواند از این مسئولیت فرار کند و قانون‌&zwj; گذار راه بی‌&zwj; مسئولیتی را بر ایشان بسته است.

تنها لطف قانونی‌&zwj; ای که قانون‌&zwj; گذار در عمل برای مادر عهده‌&zwj; دار حضانت انجام داده، الزام و تکلیف پدر به تأمین نفقه فرزند است که آن‌&zwj; هم متاسفانه در بیشتر موارد در حکم دادگاه‌&zwj; ها به‌&zwj; صورت مبلغی ناچیز تعیین می‌&zwj; شود؛ و دادگاه‌&zwj; ها معمولاً مبلغی را تعیین می‌&zwj; کنند که حتی هزینه خوراک طفل در یک ماه را هم نمی‌&zwj; تواند جوابگو باشد. البته نهادهای حمایتی‌&zwj; از جمله بهزیستی و کمیته امداد و مؤسسات خیریه در عمل دستگیر این مادران هستند اما در خیلی از موارد به دلیل جوان بودن و عزت‌&zwj; نفس مادران عهده‌&zwj; دار حضانت فرزند مراجعه‌&zwj; به این نهادها ندارند که متاسفانه این ضعف بزرگی چه از ناحیه دولت و چه قانون‌&zwj; گذاری است.

نکته مهمی که در ابتدا باید به آن اشاره کرد این است که حضانت والدین اعم از پدر یا مادر به‌&zwj; صورت بی‌&zwj; قید و شرطی نیست؛ یعنی به این صورت نیست که طفل تا 7 سالگی نزد مادر باشد و مادر اختیار تام در مورد وی داشته باشد و به هر نحوی به تربیت وی بپردازد و همچنین است در مواردی که حضانت طفل به عهده پدر قرار می‌&zwj; گیرد. قانون‌&zwj; گذار در ماده 1173 قانون مدنی به بیان نمونه‌&zwj; ای از مواردی پرداخته که می‌&zwj; تواند به سلب حق حضانت مادر یا پدر منجر شود. این ماده‌&zwj; قانونی به بیان 5 مورد پرداخته از جمله این‌&zwj; که فرد دارای حضانت اعتیاد زیان‌&zwj; آور به الکل و مواد مخدر داشته باشد یا اشتها به فساد اخلاق داشته باشد یا از طفل جهت کارهای تکدی گری و ... سوءاستفاده کند.

همچنین قانون‌&zwj; گذار در ماده 1170 قانون مدنی ابتلا مادر به جنون و همچنین شوهر نمودن وی را از موارد سلب حضانت دانسته است و در ماده 1171 قانون مدنی نیز قوت یکی از زوجین را مطرح نموده که طبیعی است که حضانت در این صورت سالبه به انتفاء موضوع است. نکته‌&zwj; دیگر اینکه این موارد احصاء شده نیست و از باب شمولیت حداکثری است و به‌&zwj; طور خلاصه باید گفت که در هر زمانی که مصلحت تربیتی و نگهداری طفل رعایت نشود والدین دیگر که طفل نزد وی نیست یا حتی اقرباء دیگر و حتی دادستان می‌&zwj; تواند تقاضای سلب حضانت کند. لذا نقض غرضی نباید صورت گیرد یعنی غرض از حضانت پرورش و نگهداری و تربیت فرزند و تا حد امکان فراهم آوردن شرایطی است که طفل دچار کمبودی نشود اما اگر قرار باشد آن حضانت خلاف این موارد را موجب شود قطعاً حضانت سلب می‌&zwj; شود.

بشر و حتی قانون‌&zwj; گذار هیچ‌&zwj; گاه مصون از نقیصه و حتی اشتباه نبوده و قوانین حضانت ما نیز نقیصی دارد. از جمله نواقصی که در زمان حاضر در متن قانون در ماده 1170 قانون مدنی وجود دارد آن است که قانون‌&zwj; گذار حضانت را از مادر در صورتی‌&zwj; که بخواهد مجدداً بعد از طلاق از همسر خود ازدواج نماید سلب شده می‌&zwj; داند؛ و این امر عموماً به دلیل عاطفه شدید مادر به فرزند و ترس از این‌&zwj; که حضانت از وی سلب شود و علیرغم میل به ازدواج از ازدواج دور می‌&zwj; کند است که ممکن است به بروز مشکلات اخلاقی در جامعه منجر شود. البته این مشکل در عمل در برخی از شعبات دادگاه و از سوی قضات آگاه حل می‌&zwj; شود و حتی با وجود ازدواج مجدد مادر حضانت از وی سلب نخواهد شد؛ اما در برخی موارد نیز از موجبات سلب حضانت محسوب می‌&zwj; شود که به نظر می‌&zwj; رسد بهتر است این ماده‌&zwj; قانونی اصلاح و یا حذف شود. همچنین نقیصه دیگر عدم وجود نهادهای حمایتی مصرح در قانون است که به نظر می‌&zwj; رسد با تشکیل نهادهای حمایتی حامی مادران عهده‌&zwj; دار

حضانت فرزندان، جامعه شاهد وضعیت بهتری در زمینه فرزندان پرورش یافته؛ خانواده‌ها؛ های طلاق خواهد بود.